

مطالعه تحولات نهادی سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری

مطالعات جامعه‌شناختی

(علمی - پژوهشی)

دوره ۲۴، شماره یک: ۲۵۷-۲۲۹

شاپا ۲۸۰۹-۱۰۱۰

نمایه در ISC

محمد احمدیان هروی^۱

کارشناس ارشد مرمت و احیای بناها و بافت‌های تاریخی

سید محمد مهدی خوئی

عضو هیئت علمی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی

دریافت ۹۶/۵/۱۲

پذیرش ۹۶/۷/۲۰

چکیده

«بازار آزاد» غالباً با عنوان مکتبی اقتصادی و با اصطلاح «علم اقتصاد» شناخته می‌شود، اما حوزه نفوذ آن از مسائل اقتصادی فراتر می‌رود و مدل‌سازماندهی خود را به امور فرهنگی و اجتماعی نیز تسری می‌دهد. در سه دهه گذشته، به دنبال تسلط نگرش بازار آزادی بر برنامه‌های توسعه کشور، به مرور این منطق وارد حوزه‌های شهری و معماری نیز شده است. مجموعه این تغییر سیاست‌ها و نگرش‌ها سبب شد که فضاها و معماری عمومی شهری و مکان‌هایی که با عنوان «میراث فرهنگی» شناخته می‌شدند، همچون حوزه‌های جدید بازاری تعریف شوند و در نتیجه منطق سرمایه‌گذاری و سودآوری اقتصادی، تبدیل به گفتمان مسلط برای مداخله، مدیریت و دگرگونی این حوزه‌ها شود. مقاله حاضر در پی آن است که تحولات گفتمانی عرصه میراث فرهنگی را که به ویژه در سه دهه گذشته، به دنبال تسلط این نگرش بر برنامه‌های تاثیرگذار توسعه و مدیریت اقتصاد کلان کشور رخ داد، از خلال تحولات نهادی دهه‌های اخیر در «سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری» پیگیری کند. نقطه عطف این تحولات در حوزه میراث فرهنگی، ادغام دو سازمان میراث فرهنگی و سازمان ایرانگردی و جهانگردی در سال ۱۳۸۲ بود که تحولات بسیاری را در حوزه حفاظت از آثار فرهنگی و تاریخی در پی داشت. گسترش منطق گردشگری به حوزه میراث فرهنگی، ناگزیر تسلط منطق بازار صنعت گردشگری را بر مدیریت و سازماندهی آثار تاریخی و همچنین پهنه‌های قدیمی شهرها در پی داشت. بنابراین تلاش شده تا با نگاهی به تحولات نهادی این سازمان در سه دهه گذشته، شمایی کلی از وضعیت نهادهای مرتبط با امور میراث فرهنگی تحت لوای صنعت گردشگری ترسیم شود.

واژگان کلیدی: میراث فرهنگی، گردشگری، تغییرات نهادی، اقتصاد بازار آزاد.

^۱ پست الکترونیکی نویسنده مسئول: Heravi.mohamad@ut.ac.ir

مقدمه

از دهه ۱۹۸۰ میلادی با روی کار آمدن دولت تاچر در انگلستان و ریگان در آمریکا، شاهد آغاز دوره‌ای از تغییر سیاست‌های اقتصادی دولت‌ها بودیم که به مرور وجهی جهانی به خود گرفت؛ دوره‌ای که از آن به عنوان دوره خیزش «نئولیبرالیسم» یا «بنیادگرایی بازار» یاد می‌شود. این دوره با مجموعه‌ای از سیاست‌ها و دستورالعمل‌های اقتصادی شناخته می‌شود که در جهت توسعه و بسط ایدئولوژی بازار با محوریت سیاست‌های آزادسازی اقتصادی عمل می‌کنند؛ سیاست‌هایی که به مرور تبدیل به بنیان مسلطِ گفتمان‌هایی شدند که نه تنها بر نهادهای آموزشی و دانشگاهی و مدیریتی، بلکه بر زندگی روزمره مردم نیز چیرگی یافته‌اند. یکی از ویژگی‌های اصلی این دوره گسترش چشمگیر حوزه نفوذ «منطق بازار» به همه امور و مسائل بود؛ که ناگزیر شیوه‌ها و زمینه‌های تصمیم‌گیری برای مدیریت و یا مداخله در شهرها و روستاها و زیست‌گاه‌های انسانی را نیز دگرگون کرد.

در سه دهه گذشته، به دنبال تسلط نگرش نئولیبرالی و آزادسازی اقتصادی بر برنامه‌های تاثیرگذار توسعه و مدیریت اقتصاد کلان کشور، به مرور این منطق بر چگونگی تصمیم‌گیری در حوزه‌های شهری و معماری نیز مسلط شدند. مجموعه این تغییر سیاست‌ها و نگرش‌ها سبب شد که فضاهای عمومی شهری و مکان‌هایی که با عنوان «میراث فرهنگی» شناخته می‌شدند، همچون حوزه‌های جدید بازاری تعریف شوند، و در نتیجه منطق سرمایه‌گذاری و سودآوری اقتصادی، تبدیل به گفتمان مسلط برای مداخله، مدیریت و دگرگونی این حوزه‌ها شود. به‌واقع، تسلط ایدئولوژی «بازار آزاد» بر محافل معماری و شهرسازی، نه تنها گفتمان‌های علمی و دانشگاهی مرتبط با حوزه میراث فرهنگی را در خود ادغام کرد، بلکه به مرور تغییراتی را در نهادهای تصمیم‌گیری و اجرایی، خاصه در سازمان میراث فرهنگی، پدید آورد.

مقاله حاضر در پی آن است که تحولات گفتمانی عرصه میراث فرهنگی را از خلال تحولات نهادی دهه‌های اخیر پیگیری کند. بدین منظور، به بررسی سازوکار ادغام مقوله میراث فرهنگی در گردشگری می‌پردازد و نشان می‌دهد که چگونه ادغام سازمان میراث فرهنگی و سازمان ایرانگردی و جهانگردی در سال ۱۳۸۲ نقطه عطف فرایند مذکور بوده است. هرچند که این پیوند با نام ادغام دو سازمان صورت می‌گیرد، اما عملاً همزیستی دو منطق در کنار یکدیگر را در پی ندارد. به مرور، با سلطه منطق مالی-اقتصادی گردشگری، منطق حفاظت از میراث

فرهنگی به حاشیه می‌رود و گردشگری به منطق هژمونیک مقوله میراث فرهنگی تبدیل می‌شود. این تغییر نگرش، نه تنها در شکل‌دهی به نهادهای مدیریت شهری تأثیر داشت، بلکه «صنعت گردشگری» را به عنوان تنها راه حفاظت و مدیریت این گستره‌ها، چه در اذهان جمعی و چه در محافل علمی و دانشگاهی، قبولاند.

پیشینه پژوهش

در موضوع تغییرات نهادی‌ای که در «سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری»، به ویژه در سه دهه رخ داده و سبب سیطره ایدئولوژی «بازار آزاد» در این سازمان بوده است، تا کنون پژوهشی منسجم انجام نشده است. اظهارنظرها و گفته‌ها نیز تنها به اشارتی در این مورد اکتفا کرده است. اما برای بررسی پیشینه پژوهشی این موضوع می‌توان دو دسته از منابع را مدنظر داشت:

اول- منابعی که به روایت تاریخ شکل‌گیری و قانون‌گذاری در حوزه میراث فرهنگی می‌پردازد و همچنین قوانین، آیین‌نامه‌ها و بخش‌نامه‌های مربوط به این سازمان، که در منابع مختلفی قابل دسترس هستند. بررسی این منابع نشان می‌دهد که پژوهش‌های انجام گرفته بیشتر به موضوع روند تاریخی شکل‌گیری نهاد حفاظت میراث فرهنگی در ایران پرداخته‌اند. متن قوانین مصوب، تاریخ ثبت و اجرایی شدن آنها موضوع اصلی این پژوهش‌ها بوده است، اغلب این پژوهش‌ها به جنبه‌های حقوقی و قانونی این تغییرات پرداخته‌اند. هرچند اشاراتی به تأثیرات ماحصل این قانون‌گذاری‌ها بر میراث فرهنگی انجام شده است، اما هیچ‌کدام از این منابع، به بررسی دقیق ارتباط تغییرات قانونی و نهادی این سازمان در پیوند با نگرش‌های سیاسی و اقتصادی کلان‌تر نپرداخته‌اند. علاوه‌براین نشریه اثر که از سال ۱۳۵۹ توسط این سازمان منتشر می‌شود یکی از مهم‌ترین منابعی است که بررسی رویکردها و نظرات گوناگون بدنه کارشناسی سازمان در باب این تغییرات و قانون‌گذاری‌ها پرداخته است. برخی از مهم‌ترین این منابع عبارت‌اند از:

- مقاله «روند حفاظت در ایران از تأسیس اداره عتیقات تا قبل از انقلاب اسلامی» نوشته اصغر محمد مرادی که در شماره ۱۱ نشریه هفت شهر منتشر شده است. این مقاله به بررسی شکل‌گیری و تغییرات قانونی حوزه میراث فرهنگی، پیش از انقلاب اسلامی پرداخته است.

- کتاب «میراث فرهنگی در حقوق داخلی و بین‌المللی»، نوشته یونس صمدی، که توسط انتشارات اداره کل آموزش انتشارات و تولیدات میراث فرهنگی کشور، در ۱۳۸۳ منتشر شده است. این کتاب علاوه بر ارائه متن کامل قوانین مصوب در حوزه میراث فرهنگی، به بررسی تاریخ‌نگارانه دگرگونی‌های این نهاد پرداخته است.
 - کتاب «مجموعه قوانین، مقررات، آیین‌نامه‌ها، بخشنامه‌ها و معاهدات میراث فرهنگی کشور» نوشته یونس صمدی که از سال ۱۳۷۶، توسط انتشارات اداره کل آموزش انتشارات و تولیدات میراث فرهنگی، چاپ و به روز می‌شود. این کتاب تمامی مقررات و قوانین حوزه میراث فرهنگی را گردآوری کرده است.
 - بخش پیشگفتار کتاب «نظریه‌ای بر منشور مرمت شهری» نوشته محمدمنصور فلامکی که انتشارات مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری، در سال ۱۳۸۷ آن را منتشر کرده است. در پیشگفتار این کتاب، چگونگی کمی و کیفی قانون‌گذاری و پیشینه‌های تصمیم‌گیری در بافت‌های تاریخی شهرها به اختصار بررسی شده است. اما همانطور که گفته شد، موضوع آن بافت‌های تاریخی شهرها و نه سازمان میراث فرهنگی است.
 - نشریه اثر، این نشریه بیشتر با رویکردی، تاریخی و باستان‌شناسانه به پژوهش و تاریخ‌نگاری در باب سایت‌های باستان‌شناسی و بناهای تاریخی می‌پردازد. در برخی مقالات این نشریه، شرحی بر فعالیت‌های سازمان، قوانین تصویب شده و وضعیت میراث فرهنگی کشور نیز قابل مشاهده است.
- دوم - دسته دوم منابعی هستند که به ارتباط حوزه «میراث فرهنگی» و «گردشگری» پرداخته‌اند و یا در مورد چگونگی وضعیت اقتصادی مدیریت و نگهداری سایت‌ها و بناهای تاریخی پرداخته‌اند. در دو دهه گذشته با توجه ویژه‌ای که بخش گردشگری معطوف شده است، نشریات گوناگونی - از نشریات علمی پژوهشی تا روزنامه - با محوریت موضوع گردشگری انتشار یافته‌اند و مقالات گوناگونی نیز در این حوزه نوشته شده است. بخشی از این مقالات به موضوع گردشگری فرهنگی و میراث فرهنگی می‌پردازند. اما اغلب این پژوهش‌ها، امر «گردشگری» را به عنوان پیش‌فرضی بدیهی و دارای بار مثبت در نظر دارند. بررسی این متون نشان می‌دهد که چگونگی توسعه گردشگری، تبلیغات برای جذب گردشگران و افزایش بهره‌وری اقتصادی در حوزه میراث فرهنگی هدف اصلی این تحقیقات بوده‌اند، بدون آنکه خود

امر گردشگری و یا میراث فرهنگی مورد پرسش قرار دهند. قطعاً در این پژوهش‌ها تأثیرات سلطه منطبق گردشگری بر چگونگی کارکرد نهاد سازمان میراث فرهنگی و وضعیت آثار و بناهای تاریخی مورد نقد و سنجش قرار نمی‌گیرند. برخی از این مقالات برای نمونه به شرح زیر می‌باشند:

- مقالات با موضوعاتی مانند «مدل مفهومی برای تدوین راهبردهای توسعه منابع انسانی در بخش گردشگری و میراث فرهنگی» یا «توسعه اقتصادی صنعت گردشگری در ایران و مقایسه آن با کشورهای منطقه سند چشم‌انداز» منتشر شده در نشریه مطالعات مدیریت گردشگری
- مقاله «رونق بخشی اقتصادی بناهای تاریخی: مطالعه چغازنبیل» نوشته محمدرضا مریدی و مونا حاطمی کاهکش، که در شماره ۹ نشریه پژوهش هنر منتشر شده است.
- مقاله «بررسی نقش عوامل زمینه‌ای بر اهمیت توسعه گردشگری بین‌المللی (مطالعه موردی: نگرش مدیران و کارشناسان سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری)» نوشته محمدرضا دهشیری، که در شماره ۸ نشریه «برنامه‌ریزی و توسعه گردشگری» منتشر شده است.

پیشینه نهادهای حفاظت میراث فرهنگی - از تأسیس اداره باستان‌شناسی تا انقلاب اسلامی
خاستگاه تفکر حفاظت از میراث فرهنگی کشور را می‌توان در دوران قاجار و همزمان با حضور هیئت‌های باستان‌شناسی فرانسوی در ایران جست. در سال ۱۲۷۲ شمسی امتیاز انحصاری کاوش و باستان‌شناسی در تمام ایران به مدت ۱۰۰ سال به یک هیئت فرانسوی داده شد. (مرادی، ۱۳۸۲، ۱۵) در این سال‌ها «به علت فقدان کنترل لازم و نیز نبودن ضوابط و مقررات مدون و مشخص، بخش عمده آثار منقول و اشیای یافت شده ناشی از حفاری‌ها، راهی کلکسیون‌های شخصی و موزه‌های کشورهای غربی می‌شود» (مرادی، ۱۳۸۲، ۱۵). بسیاری از آثار کشف‌شده از محوطه باستانی شوش که اکنون در موزه لوور نگهداری می‌شوند حاصل همین دوران از کاوش‌های باستان‌شناسی است.

آغاز فعالیت‌های جدی برای حفاظت و نگهداری از آثار تاریخی و فرهنگی را می‌توان با اشاعه قانون عتیقات در ۱۳۰۷ همزمان دانست. در پی این قانون امتیاز انحصاری هیئت فرانسوی برای کاوش در ایران لغو و در سال ۱۳۱۱ «اداره باستان‌شناسی» تأسیس شد. این دوران تقریباً همزمان با شکل‌گیری و تأسیس بلدیة‌ها در دوران پهلوی اول نیز بود. دوره‌ای که «هنوز نه

معماری و نه شهرسازی به معنای مدرن آن شناخته شده بود و نه هنوز مدارس معماری و شهرسازی شکل گرفته بودند» (فلامکی، ۱۳۸۷، ۱۴). تصمیم‌گیری در شهرداری‌ها و اداره عتیقات و یا اداره باستان‌شناسی در این دوران به شدت وابسته به خواست حکومت مرکزی و متکی بر حسن تشخیص فردی بود. (همان)

با شروع به کار اداره باستان‌شناسی، بسیاری از همکاری‌های بین‌المللی برای حفاظت و کاوش در محوطه‌های باستانی آغاز شد. حفاری‌های بسیاری در این دوران توسط هیئت باستان‌شناسی آمریکا در ایران انجام گرفت. (مرادی، ۱۳۸۲، ۱۷ و ۱۸) آثاری که امروزه در موزه‌های متروپولیتن و فیلادلفیا ویا سایر موزه‌ها و کلکسیون‌های شخصی دیگر به نمایش گذاشته شده‌اند نیز حاصل این دوران هستند. نبود قوانین مناسب و ضعف سازوکار نظارتی اداره باستان‌شناسی، در کنار گستردگی آثار تاریخی در شهرها سبب شد که آثار تاریخی منابع خوبی برای تجارت و داد و ستد عتیقه‌فروشان فراهم کرد و تجار عتیقه و کلکسیونرها درآمدهای بسیاری از انتقال این اشیا کسب کردند.

تا سال ۱۳۲۳، که در نحوه انتخاب و گزینش آثار تاریخی بازنگری شد، تنها آثار و ابنیه‌ای که تا پایان دوران زندیه در ایران ساخته شده بود شامل قانون حفاظت می‌شدند. (مرادی، ۱۳۸۲، ۱۶) از این زمان با بازنگری‌هایی که در قانون ثبت آثار در فهرست آثار ملی انجام شد، گستره بناهای تاریخی که تحت حفاظت قانونی قرار می‌گرفتند افزایش یافت. سال ۱۳۲۹ اداره باستان‌شناسی، فعالیت عملی خود را آغاز کرد، تا پیش از آن، این اداره فقط به عنوان مرجع نظارت و کنترل بر کار سایرین انجام وظیفه می‌کرد، بدین ترتیب تلاش شد تا این اداره به یک مرکز تحقیقاتی تبدیل شود، تأسیس موسسه باستان‌شناسی دانشگاه تهران در سال ۱۳۳۸، نیز در همین جهت بود. آغاز فعالیت این موسسه را می‌توان در همکاری با موسسه باستان‌شناسی آلمان و دانشگاه اوپسالا جست‌وجو کرد. (مرادی، ۱۳۸۲، ۱۷ و ۱۸) عملیات‌های حفاظتی و مرمتی در این دوران بیشتر مربوط به مرمت بناهای تاریخی شاخص شهرها بود؛ دورانی که خیابان‌کشی‌هایی به شکل هوسمانی^۱ و به نام مدرنیزاسیون، پهنه‌های قدیمی شهر را به راحتی از هم گسیخت.

در سال ۱۳۴۳ وزارت فرهنگ وقت به دو بخش «آموزش عالی» و «فرهنگ و هنر» تقسیم و اداره باستان‌شناسی در وزارت فرهنگ و هنر ادغام شد. در پی این تغییرات، «سازمان ملی

^۱ Georges-Eugene Haussmann (1809 – 1891)

حفاظت آثار باستانی» در آبان ۱۳۴۴، جایگزین اداره باستان‌شناسی شد و ذیل وزارت فرهنگ و هنر آغاز به کار کرد. طی ده سال دفاتر فنی در تمامی استان‌ها توسط این سازمان تأسیس شد، «این سازمان بیشتر از سایر نهادها از همکاری مؤسسات خارجی، به خصوص گروه‌های ایتالیایی که نظارت علمی عملیات اجرایی، تشکیل و تربیت کادر بومی را بر عهده داشتند، برخوردار بود» (همان، ۱۹). در آذرماه ۱۳۴۷ قانونی برای خرید اراضی، ابنیه و تاسیسات جهت حفظ آثار تاریخی به تصویب رسید، پس از آن نیز در سال ۱۳۵۲ در قوانین ثبت آثار تاریخی اصلاحاتی انجام شد، که طی آن «آثار غیرمنقولی که از نظر تاریخی یا شئون ملی واجد ارزش باشد، صرف نظر از تاریخ پیدایش آن» امکان ثبت در فهرست آثار ملی را یافت (همان).

پس از انقلاب اسلامی - تشکیل سازمان میراث فرهنگی کشور

پس از انقلاب اسلامی، در ۱۳۵۸ وزارت «فرهنگ و آموزش عالی» تشکیل شد و «سازمان ملی حفاظت آثار باستانی» ذیل این وزارتخانه قرار گرفت. در ادامه، به موجب مصوبه ۱۳۶۰/۸/۲۷ هیئت وزیران واحدهای فرهنگی و استانی مرتبط با امور میراث فرهنگی از این وزارت جدا و در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ادغام شدند. تا زمان تشکیل «سازمان میراث فرهنگی»، در سال ۱۳۶۴، عملاً دو وزارتخانه «فرهنگ و آموزش عالی»، و «فرهنگ و ارشاد اسلامی»، همزمان متولی امور مربوط به میراث فرهنگی بودند.

در سال ۱۳۵۹ نشریه «اثر»^۱ توسط «سازمان ملی حفاظت آثار باستانی» منتشر شد، جهت‌گیری سازمان در نخستین سال‌های پس از انقلاب را می‌توان در سرمقاله دومین شماره نشریه اثر مشاهده کرد: «آغاز سرمایه‌داری و اقتصاد مصرف در کشور ما مصادف با شکستن حصار شهرها و سپس هدف‌گیری در جهت فروریختن مواضع اقتصادی، اجتماعی، مذهبی و فرهنگی سنتی شهرها و متلاشی کردن موجودیت آن و کوشش در به هم کوبیدن تمام ابعاد شخصیت آن بوده است. سرمایه‌داری بخصوص شکل مصرفی و وابسته آن در رابطه با شهرها،

^۱ نشریه «اثر» از سال ۱۳۵۹ زیر نظر «سازمان ملی حفاظت آثار باستانی» و سپس «سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری» منتشر می‌شود. این نشریه به فعالیت‌های سازمان، پژوهش‌ها، دستاوردهای علمی و مسائل مربوط به میراث فرهنگی می‌پردازد. هرچند که «اثر» نشریه رسمی این سازمان است اما با توجه به تغییراتی که در ساختار و بدنه این سازمان در سال‌های گوناگون به وجود آمد، این نشریه که زمانی منعکس‌کننده رویکردهای سازمان بود، اکنون تنها منعکس‌کننده رویکرد بخشی از بدنه کارشناسی سازمان است.

که از آغاز خصیصه ضدتاریخی داشته، به تدریج که نیرو می‌گیرد، قدرت تخریبی آن افزون می‌شود. ... اگر رفتار خشونت بار سیستم با بافت‌های موجود شهری از طریق تخریب نتواند بعلت مقاومت‌های سازه‌های اجتماعی فرهنگی درونی اعمال شود، روش و شیوه‌های متداول دیگری به کار گرفته می‌شود که تأثیر آن فاجعه‌آمیزتر از تخریب کالبدی است؛ و آن محروم ساختن بافت از کلیه نیازهای روز و سلب تدریجی مزیت‌های اجتماعی-فرهنگی آن تا به آن حد که محلات فاقد دلائل لازم برای زندگی در آن گشته و علت وجودی خود را از دست بدهد» (اثر، ۱۳۵۹، ۱ و ۲). رویکرد سازمان‌های متولی امور میراث فرهنگی در این سال‌ها متأثر از گفتمان انقلاب بود. برگزاری سمینار «باستان‌شناسی در راستای انقلاب»، در تیر ۱۳۵۹، گواهی دیگر بر این مدعا است. نگرشی که البته تداوم پیدا نکرد و به سرعت از ادبیات علمی و سازمانی موضوع حذف شد.

در سال ۱۳۶۴، دستگاه‌های اجرائی و پژوهشی متولی امور میراث فرهنگی - که شامل ۱۱ اداره کل^۱ و ادارات استانی در سه وزارتخانه^۲ بودند- در «سازمان میراث فرهنگی کشور»، وابسته به وزارت «فرهنگ و آموزش عالی» ادغام شدند. «با تصویب قانون اساسنامه سازمان در ۱۳۶۷، اهداف و وظایف سازمان قانوناً تعیین و فعالیت‌های مربوط به میراث فرهنگی از انسجام لازم برخوردار شد» (صمدی، ۱۳۸۲، ۱۶). مواد اول و دوم اساسنامه سازمان میراث فرهنگی، به شرح زیر است:

«ماده ۱ - تعریف: میراث فرهنگی شامل آثار باقی‌مانده از گذشتگان است که نشانگر حرکت انسان در طول تاریخ می‌باشد و با شناسایی آن زمینه شناخت هویت و خط حرکت فرهنگی او میسر می‌گردد و از این طریق زمینه‌های عبرت برای انسان فراهم می‌آید.

ماده ۲ - هدف: عبرت از حرکت فرهنگی انسان و بقاء و رقاء هویت و شخصیت فرهنگی جامعه» (صمدی، ۱۳۷۶، ۸).

ماده سوم از اساسنامه سازمان میراث فرهنگی در ۲۴ بند وظایف این سازمان را شرح داده است، که ۲۲ بند اول آن مربوط به امور پژوهشی، آموزشی، حفاظت و نگهداری از میراث

^۱ هرچند که ادارات و نهادهای گوناگونی پیش از تشکیل «سازمان میراث فرهنگی» در این زمینه فعال بودند، اما اصلی‌ترین و محوری‌ترین این نهادها، «سازمان ملی حفاظت آثار باستانی» بود.

^۲ به جز مجموعه «کاخ گلستان» که ذیل وزارت اقتصاد و دارای قرار داشت، تمامی ادارات و نهادهای متولی میراث فرهنگی تا این سال ذیل دو وزارت فرهنگ و آموزش عالی و وزارت فرهنگ فعالیت می‌کردند.

فرهنگی است، بند ۲۳ و ۲۴ بدین شرح است: «۲۳: همکاری با وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در زمینه امور ایرانگردی و جهانگردی؛ ۲۴: ارائه خدمات مشاوره‌ای، تحقیقاتی، فنی و آموزشی. فروش تولیدات فرهنگی. دریافت ورودیه به بناها، محوطه‌ها و موزه‌ها و نمایشگاه‌ها و قبول هدایا و کمک‌ها و نظایر آن» (صمدی، ۱۳۷۶، ۹).

اولین ماده از قانون تشکیل سازمان میراث فرهنگی، صراحتاً این سازمان را وابسته به وزارت فرهنگ و آموزش عالی اعلام کرده است. این تصمیم موجب شد وجه پژوهشی اقدامات سازمان در دورانی که سازمان میراث فرهنگی کشور به عنوان یک سازمان وابسته به وزارت فرهنگ و آموزش عالی فعالیت می‌کرد، مورد توجه جدی‌تری قرار گیرد. مسائل محوری سازمان میراث فرهنگی در این سال‌ها، علاوه بر حفاظت و نگهداری از آثار و بناهای تاریخی، آموزش، پژوهش و ارتباط با مردم، به ویژه ساکنان پهنه‌های تاریخی شهرها بود. «به همین علت شورای گسترش آموزش عالی طی مصوبه‌ای در سال ۱۳۶۹ سازمان میراث فرهنگی را به عنوان یک «پژوهشگاه» مورد تأیید و شناسایی قرار داد» (صمدی، ۱۳۸۲، ۱۲۸). سرمقاله شماره ۳۶ و ۳۷ نشریه اثر، که به جمع‌بندی رویدادهای مهم سازمان میراث فرهنگی می‌پردازد، یادآور می‌شود: «وابسته بودن این سازمان به وزارت فرهنگ و آموزش عالی طبیعت تحقیقاتی آن را بارز کرد و آن را از دستگاهی خدماتی به نهادی پژوهشی اجرائی درآورد و در جامعه شأن و منزلت تخصصی و فرهنگی ویژه بخشید» (اثر، ۱۳۸۳، ۳).

شکل‌گیری سازمان میراث فرهنگی را می‌توان گامی مهم در جهت تخصصی‌سازی مدیریت و حفاظت بناها و بافت‌های تاریخی شهرهای ایران دانست. در این دوره تلاش‌هایی برای شناسایی و ثبت بناهای تاریخی و برنامه‌ریزی و حفاظت از آن صورت گرفت، اما این تلاش‌ها و اثرگذاری‌ها نتوانست حفاظت مرکزها و بافت‌های تاریخی شهرها را به درجه مطلوب و موثری ارتقا دهد. (فلامکی، ۱۳۸۷) به‌طورکلی شیوه‌های مدیریتی شهرها و مراکز تاریخی آن پس از گذار از دوران اولیه شکل‌گیری بلدی‌ها تا اواسط دهه ۱۳۷۰ را می‌توان ذیل دوره «مدیریت‌گرایی» گنجانند؛ دوره‌ای که هم شهرداری‌ها، هم سازمان میراث فرهنگی و هم وزارت مسکن تلاش داشتند تا با مدیریت و کنترل [از بالا به پایین] فضاها شهری، وضعیت شهرها و بافت‌های تاریخی را سامان‌دهی کنند. در این دوره، در مورد مسائل گوناگون شهری قوانین

مختلفی تصویب می‌شود، اما به طور کلی می‌توان گفت که «قانون‌ها، پی‌جوی کیفیت نبوده و تنها برای نگه‌داشت کمیت‌های دارای بار کیفی مفروض گام برداشته‌اند» (فلامکی، ۱۳۸۷، ۱۲).

سرآغاز چرخش‌های نئولیبرالی در سازمان میراث فرهنگی

همانطور که گفته شد، با تشکیل سازمان میراث فرهنگی، به مرور وجوه پژوهشی و علمی سازمان افزایش یافت. رسالت اصلی سازمان میراث فرهنگی کشور در این سال‌ها، حفاظت از وجوه تاریخی و اصالت بناها پنداشته می‌شد و عملیات مرمت و حفاظت آثار نیز بر همین اساس صورت می‌گرفت. بناهای تاریخی ثبت شده به شکل موزه‌ای، تحت مدیریت این سازمان حفاظت می‌شدند و شماری از آنها که وضعیت حفاظتی مطلوبی داشتند - برخی حتی بدون دریافت ورودیه - برای بازدید عموم در دسترس بودند. تحت تأثیر برنامه‌های پنج ساله توسعه، در اوایل دهه ۱۳۷۰، به تدریج زمینه‌های گذار از دوره «مدیریت‌گرایی» به «بازار آزاد» فراهم شد. ابتدا بحث‌هایی حول و حوش این مساله پیش آمد که سازمان بازده اقتصادی ندارد و نابسامانی وضعیت بناهای تاریخی به سبب همین نبود بازده اقتصادی است. سازمان‌های متولی میراث فرهنگی، تا این زمان، هرگز به عنوان سازمانی درآمدزا مدنظر نبودند؛ نکته‌ای که می‌توان با ارجاع به اساسنامه سازمان و فعالیت‌های آن به روشنی دریافت.^۱ اما بر اساس ایدئولوژی بازار آزاد، سامان و نابسامانی تمامی امور مربوط به امکان سودآوری اقتصادی از آن است. فرهنگ دیگر خود هدف نیست، بلکه باید تبدیل به وسیله‌ای شود در خدمت هدفی دیگر، مانند: سودآوری اقتصادی، جذب مشتری، رونق‌بخشی به بازار گردشگری، افزایش امکان سرمایه‌گذاری و ...

سیاست بازار آزاد در مواجهه با بافت‌های تاریخی و قدیمی شهرها با پرسشی اساسی روبه‌رو است: اگر نتوان بافت تاریخی را - چه به سبب مقاومت نیروهای اجتماعی و فرهنگی آن و چه به سبب موانع قانونی - تخریب کرد و آن را در فرآیند رونق‌بخشی اقتصادی و سودآوری به چرخه‌های متناوب تخریب، دوباره‌سازی و مصرف وارد کرد، چگونه می‌توان به مدیریت، مداخله و ساماندهی این بافت‌های شهری وارد شد؟ پاسخ را می‌توان در یک واژه خلاصه کرد: «گردشگری». گردشگری این امکان را فراهم می‌کند که نه با پاکسازی کامل پهنه‌های قدیمی و

^۱نگاه کنید به انتشار فعالیت‌های سازمان در مجله اثر، میان سال‌های ۱۳۵۹ تا ۱۳۸۰

جایگزینی آن با ساختمان‌های نو، بلکه با تغییراتی در آنها - که البته خود همراه با تخریب اصالت، یکپارچگی و وجوه قدیمی و فرهنگی و اجتماعی آن است - این توهم را به وجود آورد که تاریخ وارد فرآیند سرمایه‌گذاری و سودآوری اقتصادی شده است.

برای فهم اینکه چگونه رویکرد بازار آزاد توانست مسأله خود را به پرسش اصلی سیاست‌گذاران میراث فرهنگی تبدیل کند باید نگاهی به عرصه اقتصاد کلان کشور داشته باشیم. در سال‌های پس از جنگ حضور اقتصاددان معتقد به آزادسازی اقتصادی در سازمان‌ها و نهادهای تصمیم‌گیر و ایجاد نهادهای دانشگاهی توسط این گروه در دانشگاه‌ها به مرور آن‌چنان وسعت یافت که ایدئولوژی «بازار آزاد» تحت عنوان «علم ناب اقتصاد» توانست، نه تنها در محافل آکادمیک و دانشگاهی، بلکه در سطوح مدیریتی سازمان‌های تصمیم‌گیر هژمونیک شود. (اباذری و پرنیان، ۱۳۹۵) «به مدت نزدیک به یک دهه مدیریت موسسه [نیاوران] در دست گروهی قرار گرفت که در نوشتن برنامه پنج‌ساله اول توسعه با رویکرد بازار آزاد نقش داشتند. حضور همزمان [اقتصاددانان معتقد به بازار آزاد] در موسسه نیاوران و معاونت‌های سازمان برنامه، این امکان را برای‌شان فراهم کرد تا برنامه سوم توسعه را با مدیریت و سازمان‌دهی تیم‌های پژوهشی - اجرایی در جهت گرایش اقتصادی بازار آزاد و با محوریت خصوصی‌سازی و تعدیل ساختار اقتصادی تنظیم کنند و در سال ۱۳۷۹ به تصویب برسانند» (همان، ۱۵۳).

در پی تسلط این نگرش، دهه ۷۰، خود به تاریخچه‌ای از تغییرات و ادغام‌های مکرر نهادی در سازمان میراث فرهنگی کشور تبدیل شد. اولین گام در این جهت، با مصوبه ۷۳/۱/۲۵ شورای عالی اداری برداشته شد: «وجود مشکلات اقتصادی در دوران بازسازی، برنامه دوم [توسعه] را صبغه‌ای بیشتر اقتصادی می‌داد و این واقعیت تأثیر خود را ناخودآگاه بر وجوه فرهنگی توسعه گذارد، که تصمیم ۷۳/۱/۲۵ شورای عالی اداری را در انتزاع سازمان میراث فرهنگی کشور از وزارت فرهنگ و آموزش عالی به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با این نگاه که جهانگردی قادر باشد از میراث فرهنگی به طور موثرتری در جهت تأمین اهداف اقتصادی بهره‌گیرد، از آن جمله باید دانست» (اثر، ۱۳۸۳، ۳ و ۴). اما نشریه اثر که هنوز در دست بخشی از بدنه قدیمی سازمان بود، انعکاس صدای اعتراض به این تصمیم بود: «بی‌گمان تغییر موضع یک دستگاه تحقیقاتی - اجرایی به دستگاهی - ترویجی - اجرایی سازمان را از اهداف بنیاداش دور می‌ساخت

که این چنین نیز شد. بی‌آنکه به ارزش‌های اقتصادی مدنظر برنامه‌ریزان توسعه بتواند پاسخ گوید» (اثر، ۱۳۸۳، ۴).

پس از این، در سال ۱۳۷۵ شورای گسترش آموزش عالی، اساسنامه سازمان میراث فرهنگی کشور را که زیر نظر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی فعالیت می‌کرد، به عنوان یک پژوهشگاه، تصویب کرد. (صمدی، ۱۳۸۲، ۱۲۸) این مساله سبب شد که ساختار تشکیلاتی سازمان بیش از پیش دچار آشفتگی و عملاً تکه‌تکه شود. «حرکت دیگری که در تضعیف سازمان میراث فرهنگی آثار منفی گذارد به دوش کشیدن نام پژوهشگاه ۱۳۷۵/۶/۱۰ بود که هرچند علی‌الظاهر قصد بالابردن وجهه پژوهشی سازمان را داشت ولی در باطن نیت مالی اداری را در بهره‌مند شدن از امتیازات مؤسسات پژوهشی در خود داشت.

یکی از آثار منفی پژوهشگاه شدن سازمان تمرکز بخشیدن به امور تحقیقاتی نه چندان هدفمند در مرکز و پاره شدن کالبد سازمان از نقطه نظر تکالیف اجرائی تحقیقاتی و در هم ریخته شدن مفهوم صف و ستاد در تشکیلات سازمان و پدید آمدن تبعیض‌های غیرقابل حل در امتیازاتی که اعضای هیئت‌علمی از آن برخوردار هستند در قیاس با بدنه کارشناسی که در اصل بار اصلی را در تمام زمینه‌های پژوهشی و حفاظت و معرفی به دوش می‌کشید، و در نهایت تضعیف بنیه کارشناسی بود» (اثر، ۱۳۸۳، ۴).

در سال‌های میانی دهه هفتاد اولین دولت اصلاحات، با رویکردی که داعیه فرهنگی بسیار داشت، بر سر کار آمد. برای آنان که دغدغه‌های فرهنگی داشتند و یا در زمینه امور فرهنگی فعالیت می‌کردند، این گمان به وجود آمد که به زودی سامانی به امور فرهنگی داده می‌شود؛ وضعیت حوزه‌های فرهنگی بهبود می‌یابد و مورد توجه بیشتری قرار می‌گیرد. اما سامان‌دهنده دست پنهان بازار بود؛ ایدئولوژی بازار آزاد با شعارهای آزادسازی اقتصادی و علم ناب و توسعه و پیشرفت جای پای محکمی در محافل تصمیم‌گیری، علمی و دانشگاهی پیدا کرده بود. رویکرد برنامه‌های توسعه اول تا ششم بیان‌گر میزان نفوذ و سلطه این نگاه است. اولین چرخش نهادی جدی به سوی بازار آزاد در سازمان میراث فرهنگی نیز در همین سال‌ها با ایجاد سازوکار «طرح پردیسان» آغاز شد.

در جست‌وجوی خشت اول - نگاهی به طرح پردیسان

در سال ۱۳۷۸ با تخصیص بودجه به سازمان میراث فرهنگی، طرح پردیسان آغاز شد. «اتخاذ رویکرد احیا از یک‌سو، و برقراری پیوند بین آثار تاریخی و حیات مدنی از سوی دیگر، و نیز

کمبود منابع مالی و فنی، لزوم پیوند بین این آثار و جریان‌های اقتصادی و اجتماعی نوین را اثبات کرده و در عین حال زمینه‌ای برای فعالیت‌های بخش خصوصی در این عرصه فراهم آورده است. از سوی دیگر، جهت‌گیری‌های کلان دولت به سمت گسترش گردشگری فرهنگی و ایجاد بسترها و زیربنای مناسب در این زمینه، سازمان میراث فرهنگی را بر آن داشت تا در قالب برنامه‌های ۵ ساله توسعه، نقشی فعال‌تر در جهت فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی جاری ایفا کند. این برنامه‌ها در قالب طرحی تحت عنوان پردیسان مجال بروز یافت» (طلوع‌آشتیانی، ۱۳۸۲، ۱۴۴). متن قانون از این قرار است: «به منظور توسعه و گسترش ایرانگردی و جهانگردی ... اعتبار طرح ... در اختیار سازمان میراث فرهنگی قرار می‌گیرد تا با همکاری سازمان ایرانگردی و جهانگردی نسبت به خرید، اجاره و یا مشارکت با افراد حقیقی و حقوقی برای مرمت کاروانسراها، خانه‌های قدیمی و سایر اماکن و تبدیل آنها به واحدهای پذیرایی اقدام نماید» (همان، ۱۴۴).

«طرح پردیسان» اولین سازوکاری است که برای واگذاری بناهای تاریخی به بخش خصوصی شکل گرفت. این طرح نتیجه سیاست‌های «تعدیل ساختاری» بود که در برنامه سوم توسعه به اوج خود رسیده بود و جهت‌گیری کلی سازمان را از امر «حفاظت از میراث فرهنگی» به سمت افزایش بهره‌وری اقتصادی از بناهای تاریخی و گسترش بازار گردشگری تغییر داد. در واقع با محوریت قرار گرفتن موضوع بهره‌وری اقتصادی، فرهنگ در برابر اقتصاد، به حاشیه رانده شد. بدین ترتیب، نه تنها مشکل رفع تخصیص منابع مالی که حتی کمبودهای فنی نیز با پیوستن به «جریان‌های اقتصادی و اجتماعی نوین» پاسخ می‌یابند؛ این جریان‌های اقتصادی و اجتماعی نوین در واقع همان بنیادگرایی بازار است.

طبق طرح پردیسان، بناها و فرصت‌های مناسب سرمایه‌گذاری بخش خصوصی باید در قالب ۵ مسیر یا محور عمده در کشور انتخاب می‌شوند، تا زمینه‌های رونق بازار گردشگری فراهم آید. تا سال ۱۳۸۲ پیشروی این طرح بدین گونه بود: «در حال حاضر، دفتر طرح در ۳۸ پروژه به صورت‌های مختلف فعال است. این بناها از نظر تنوع عملکردی شامل، ۷ حمام تاریخی، ۱۴ کاروانسرا، ۴۳ خانه تاریخی، ۳ کوشک، یک بازار، یک قلعه، یک هتل، ۲ باغ تاریخی، یک دیوانخانه، ۵ آب‌انبار و یک یخچال بوده است. از میان این ۳۲ پروژه، کار اجرایی در ۲۷ مکان به صورت فعال جاری و مابقی آنها در حال تملک بوده است. جمع کل عرصه بناهای تاریخی

مشمول این طرح مساحتی بالغ بر ۲۸۸۳۷۰ مترمربع و زیربنایی در حدود ۵۸۲۱۰۱ مترمربع را در بر می‌گیرد» (همان، ۱۴۵). «در مجموع، بیش از ۲۰۰۰ نفر ظرفیت خوابگاهی و ۲۹۵۰ نفر ظرفیت غذاخوری با قابلیت جذب ۱۵۸۶ نفر به صورت مستقیم برای خدمات مورد نیاز در دوره بهره‌برداری» (همان، ۱۴۵).

طرح پردیسان ساز و کاری را ایجاد کرد که عملاً هدف اصلی مرمت و حفاظت یک اثر تاریخی را به افزایش بهره‌وری اقتصادی از آن تغییر داد. نگاهی به ضوابط انتخاب پروژه‌ها در طرح پردیسان مشخص می‌کند که مسائل فرهنگی در این طرح چندان جایگاهی نداشته است؛ مسائلی که در مقابل محوریت منطق جدید تنها می‌توانست تزئین کننده شعارها و گفتارها باشد: «انتخاب نام پردیس برای طرح پردیسان به همین ایده تجسم‌بخشی بهشت بر روی زمین اشاره دارد» (همان، ۱۴۴) اما اگر از ایده تجسم بهشت بر روی زمین بگذریم، هسته اصلی طرح پردیسان را می‌توان در این کلمات جست‌وجو کرد: «با توجه به این که بناهای احیا شده در طرح پردیسان در نهایت به منظور بهره‌برداری به بخش خصوصی واگذار خواهند شد، وجود توجیه اقتصادی یکی از شرایط جدایی‌ناپذیر و اساسی در انتخاب آنها به شمار می‌آید. از همین‌رو، پیش از آغاز هر پروژه و تهیه طرح‌های لازم، طی چندین مرحله مطالعات فنی و اقتصادی جامعی در مورد هر پروژه انجام می‌شود و کارشناسان هزینه‌ها و سود و زیان آتی آن را برآورد می‌کنند» (همان، ۱۴۸).

گردشگری همه چیز است - ادغام سازمان میراث فرهنگی و سازمان ایرانگردی و جهانگردی

با وجود ایجاد سازوکار «طرح پردیسان» آماده‌سازی شرایط برای حضور بخش خصوصی در حوزه‌های میراث فرهنگی بسیار کند پیش می‌رفت. حتی با وجود سازوکار «طرح پردیسان»، بدنه سازمان میراث فرهنگی - که در نظام ارزشی دیگری آموزش دیده بود و با مفاهیم بازار آزادی بیگانه بود نمی‌توانست خواست‌های مورد نظر سیاست‌گذاران برنامه سوم توسعه را برآورده کند. اگرچه طرح پردیسان آغازگر چرخش نئولیبرالی در حوزه میراث فرهنگی بود، اما آنچه موجب تثبیت این رویکرد شد، ادغام سازمان میراث فرهنگی در سازمان ایرانگردی و جهانگردی در سال ۱۳۸۲ بود. آنچه رویکرد بازار آزادی را در سازمان میراث فرهنگی تثبیت کرد، نه تصویب طرح، بلکه تغییرات نهادی بود. برخلاف طرح پردیسان که امکان داشت با تغییر رویکرد مدیریتی به

حاشیه رود، اما تغییر نهادی که با ادغام دو سازمان صورت گرفت، این رویکرد را فارغ از تغییرات مدیریتی تثبیت کرد و به تمامی بخش‌های سازمان میراث فرهنگی نیز تسری داد. علاوه بر این، خروج سازمان میراث فرهنگی از ذیل وزارت فرهنگ و ارشاد و ادغام آن با سازمان ایرانگردی و جهانگردی، جایگاه «سازمان میراث فرهنگی و گردشگری» در برنامه‌های توسعه را نیز مستحکم کرد. «وابستگی سازمان به وزارتخانه‌های زیربسط حضور آنرا در برنامه‌های توسعه به شکلی مؤثر دچار مشکل می‌ساخت. گرچه سازمان میراث فرهنگی کشور فی‌نفسه با توجه به وظایف سنگینی که بر عهده داشت می‌توانست به عنوان نهادی مستقل (و غیر وابسته) عمل نماید ولی دو قطب جاذب یکی از بعد فرهنگی [-زیست‌محیطی] و دیگری از بعد اقتصادی ادغام این سازمان را به سازمان محیط زیست از سوئی و سازمان ایرانگردی و جهانگردی از سوی دیگر به خود جلب می‌نمود. با توجه به غلبه بعد اقتصادی ترویجی در برنامه توسعه سوم ادغام سازمان میراث فرهنگی و سازمان جهانگردی و گردشگری جزو اهداف راهبردی آن قرار گرفت» (اثر، ۱۳۸۳، ۴). قطعاً ادغام دو سازمان میراث فرهنگی و محیط زیست که ماهیت هر دو بر اساس دیدگاه حفاظت از دارایی‌های ارزشمند شکل گرفته بود، همسو با برنامه‌های توسعه نبود.

«ابتدا موضوع ادغام این دو سازمان با توجه به اهداف برنامه سوم توسعه توسط آقای دکتر مهاجرانی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی وقت به سال ۹-۱۳۷۸ مطرح شد و طی دو سال از برنامه سوم مسئله بین سازمان میراث فرهنگی کشور، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و کمیسیون‌های ویژه هیئت دولت و مجلس شورای اسلامی مورد بحث و بررسی قرار گرفت تا نهایتاً قانون آن در مجلس ششم در تاریخ ۱۳/۱۱/۱۳۸۲ به تأیید شورای نگهبان رسید و اجرای آن به دولت ابلاغ گردید ... آقای مهندس سید حسین مرعشی از تاریخ ۳۰/۲/۱۳۸۳ از سوی رئیس جمهور به ریاست آن منصوب گردید» (اثر، ۱۳۸۳، ۵).

همانطور که دکتر نصرالله مستوفی، قائم‌مقام وقت سازمان ایرانگردی و جهانگردی، یک سال پیش از ادغام دو سازمان مذکور یادآور شد، ادغام این دو سازمان به منظور پیشبرد اهداف برنامه‌های سازمان «ایرانگردی و جهانگردی» و سازمان «مدیریت و برنامه‌ریزی» بود: «طرح ادغام سازمان ایرانگردی و جهانگردی و سازمان میراث فرهنگی از سال ۱۳۷۵ و با انگیزه توسعه صنعت گردشگری در ایران آغاز گردید. ... [وی] ابتدا به جلسه شورای عالی اداری در سال ۷۶

اشاره می‌کند که در آن در خصوص توسعه جهانگردی تصمیم گرفته شد و حاصل آن ادغام دو حوزه سازمان ایرانگردی و جهانگردی و معاونت سیاحتی وزارت ارشاد بود که مقرر شد این سازمان در جهت توسعه همه‌جانبه کشور و توسعه پایدار جهانگردی در راستای برنامه سوم ایجاد شود. و در این وظیفه جدید مقرر شد سازمان ایرانگردی و جهانگردی کلیه تصدی‌ها را به بخش‌های خصوصی یا غیردولتی واگذار کند ... همین دیدگاه باعث شد که در راستای اهداف توسعه ملی، طرح جامع توسط سازمان [ایرانگردی و جهانگردی] ارائه شود. ... این برنامه در اواخر سال ۱۳۸۰ تمام شد و کلیات طرح در اوائل سال ۱۳۸۱ به تصویب شورای عالی جهانگردی رسید. اجرای برنامه نیازمند همکاری کلیه دستگاه‌ها و وزارتخانه‌های درگیر بود که قبلاً با آنها هماهنگی شده بود و محوریت آن را سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور بر عهده داشت» (مستوفی، ۱۳۸۱، ۳).

همچنین هفته‌نامه «برنامه» متعلق به سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی در حاشیه تصویب این قانون یادآور شد: «همچنین وظایف تازه‌ای بر دوش سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی قرار گرفت، از آن جمله اینکه سازمان می‌بایست حداکثر ظرف مدت ۶ ماه پس از تصویب قانون مذکور، نحوه اداره سازمان میراث فرهنگی و گردشگری را با همکاری مسئولان آن سازمان تعیین و به تصویب هیات وزیران برساند. این قانون می‌بایست اهداف کلی برنامه سوم توسعه را مد نظر داشته باشد» (برنامه، ۱۳۸۲، ۱۵). بدین ترتیب، سیاست‌گذاران سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی نه تنها در طرح برنامه پنج ساله توسعه سوم و چهارم نقش اساسی را ایفا کردند، بلکه در طرح‌ریزی برای چگونگی اداره سازمان میراث فرهنگی و گردشگری نیز نقش اصلی را بر عهده داشتند.

بند ب و ج از ماده ۴ قانون مذکور وظایف شورای عالی میراث فرهنگی و گردشگری در سازمان تازه تأسیس به فراهم کردن زمینه‌های سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در حوزه میراث فرهنگی پرداخته است: «ب. جلب حمایت بخش‌های دولتی و غیردولتی و بخش تعاونی و خصوصی برای اهداف بخش میراث فرهنگی و گردشگری. ج. فراهم کردن زمینه سرمایه‌گذاری بخش غیردولتی و افزایش سهم آن در امور مربوط به میراث فرهنگی و گردشگری» (قانون تشکیل سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، برنامه، ۱۳۸۲، ۱۲). همچنین ماده ۸ قانون مذکور زمینه‌های ایجاد مناطق نمونه گردشگری را در این جهت فراهم کرد: «به منظور فراهم کردن زمینه توسعه پایدار میراث فرهنگی و گردشگری، جلب سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی با رعایت قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی مصوب ۱۳۸۰/۱۲/۱۳ در ایجاد تاسیسات زیربنایی جهت معرفی

بهرتر بناها و محوطه‌های تاریخی، تاسیسات ایرانگردی و جهانگردی و ارائه خدمات مناسب به جهانگردان، دولت می‌تواند در مناطق مستعد کشور و قطب‌های گردشگری با تاکید بر مناطق کمتر توسعه یافته به متقاضیان بخش‌های غیر دولتی اجازه تأسیس مناطق نمونه گردشگری را بدهد» (قانون تشکیل سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، برنامه، ۱۳۸۲، ۱۲).

همچنین در ادامه برای الصاق هرچه بیشتر حوزه‌های فرهنگی به صنعت گردشگری، سازمان صنایع دستی کشور نیز به این سازوکار جدید اضافه شد. «با تصویب شورای عالی اداری در یکصد و سی‌امین جلسه مورخ ۱۳۸۵/۱/۱۶ به منظور تقویت و توسعه صنایع دستی کشور و ایجاد هماهنگی با سیاست‌های توسعه صنعت گردشگری، سازمان صنایع دستی ایران با تمام وظایف، اختیارات، مسوولیت‌های قانونی، دارایی‌ها، تعهدات، اعتبارات، امکانات و نیروی انسانی از وزارت صنایع و معادن منتزع و در سازمان میراث فرهنگی و گردشگری ادغام و به «سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری»^۱ تغییر نام یافت» (سایت سازمان میراث فرهنگی صنایع دستی و گردشگری، پیشینه سازمان).

پس از تشکیل «سازمان میراث فرهنگی و گردشگری»، معاونتی تحت عنوان «میراث فرهنگی» در این سازمان تشکیل شد. اما ماحصل ناگزیر این ادغام، تسلط یکسره منطبق اقتصادی «صنعت گردشگری» بر رویکرد فرهنگی و علمی میراث فرهنگی بود. پس از این ادغام به تدریج منطق حفاظت میراث فرهنگی به کلی در سیطره منطق گردشگری قرار گرفت، به طوری که، امروزه صحبت از حفاظت میراث فرهنگی، تنها تحت لوای افزایش بهره‌وری اقتصادی و توسعه صنعت گردشگری میسر است. سرمقاله نشریه اثر در سال ۱۳۸۳ نشان می‌دهد که بدنه سازمان در آن زمان، موافق پیشبرد چنین طرحی نبوده است: «باید توجه داشت که احاله همه امور تصدی به بخش خصوصی نمی‌تواند به عنوان یک اصل در شرائط حاکم بر کشور مطلوب باشد و نمی‌بایست سازمان را از الگوسازی‌های پیشرفته برای جامعه محروم ساخت» (اثر، ۱۳۸۳، ۶).

ورود گسترده بخش خصوصی - تشکیل صندوق احیا و بهره‌برداری از اماکن تاریخی و فرهنگی

برنامه توسعه چهارم نیز همین روند را ادامه داد، این بار کانون توجه از «فرهنگ» به «اقتصاد فرهنگ» تغییر کرد تا زمینه‌های حضور بخش خصوصی بیش از پیش تسهیل شود. «اما برنامه چهارم توسعه در حوزه فرهنگ از جامعیت بسیاری در قیاس با برنامه‌های پیشین برخوردار بود.

^۱ در ادامه واژه «سازمان» برای اشاره به «سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری» استفاده می‌شود.

در این برنامه توجه به **اقتصاد فرهنگ**، اقدام برای تأسیس صندوق‌های غیردولتی، ضمانت تولید و صادرات کالاها و خدمات فرهنگی، تکمیل نظام جامع آماری گردشگری، ایجاد صندوق احیا و بهره‌برداری از بناها و اماکن تاریخی-فرهنگی، ... از جمله مواردی بود که مورد توجه برنامه‌ریزان قرار گرفت» (برنامه، ۱۳۸۶، ۲۴). غلبه «اقتصاد فرهنگ» بر نهادهای فرهنگی، نه تنها ارزش‌های فرهنگی را به حاشیه می‌راند، بلکه شرط وجود حوزه‌ای به نام «فرهنگ» را به امکان هماهنگی آن با مناسبات اقتصادی بازار تغییر می‌دهد. بدین معنی، فرهنگ به صورت یکی از عناصر کارکردی سلطه اقتصادی درمی‌آید و تبدیل به کالاهای قابل خرید و فروش می‌شود.

در این جهت در قانون برنامه توسعه چهارم، مصوب ۱۳۸۳/۶/۱۱، سازوکار «صندوق احیا و بهره‌برداری از بناها و اماکن تاریخی-فرهنگی» پیش‌بینی شد: «به سازمان میراث فرهنگی و گردشگری اجازه داده می‌شود به منظور اعطای مجوز کاربری و بهره‌برداری مناسب از بناها و اماکن تاریخی قابل احیا با هدف سرمایه‌گذاری بخش خصوصی داخلی و خارجی صندوق احیا و بهره‌برداری از بناها و اماکن تاریخی-فرهنگی را ایجاد نماید. بناها و اماکن تاریخی قابل احیا به استثنای نفایس (املاک و اموال) ملی به تشخیص سازمان مذکور از شمول ماده (۱۱۵) قانون محاسبات عمومی کشور مصوب ۱۳۶۶/۶/۱ خارج است» (برنامه چهارم توسعه، ماده ۱۱۴، بند ز). در ادامه سازمان میراث فرهنگی و گردشگری در سال ۱۳۸۳ پیشنهاد تأسیس «صندوق احیا و بهره‌برداری از بناها و اماکن تاریخی و فرهنگی» را مطرح می‌کند تا جایگزین طرح ناموفق پردیسان شود. این طرح در جلسه مورخ ۱۳۸۴/۴/۱۲ و ۱۳۸۴/۵/۲۳، به تصویب هیات وزیران رسید. وظایف این صندوق در ماده ۴ اساسنامه آن چنین آمده است:

«ماده ۴ - وظایف و اختیارات صندوق به شرح زیر است:

- الف - تشویق، هدایت و حمایت از فعالیتهای قانونی سرمایه‌گذاران.
- ب - تعیین کاربری و اعطای مجوز بهره‌برداری از اماکن تاریخی و فرهنگی کشور با رعایت قوانین و مقررات مربوط.
- پ - حمایت از اشخاص حقیقی و حقوقی مرتبط با احیای بناها و اماکن تاریخی جهت توسعه ظرفیتهای فنی و مهندسی در این زمینه.
- ت - اعطای تسهیلات حمایتی به بهره‌برداران.

ث - انجام سایر امور مرتبط با توسعه و تقویت احیا و بهره برداری اماکن تاریخی با رعایت قوانین و مقررات مربوط» (برنامه، ۱۳۸۴، ۱۴).

طبق اصل ۸۳ از قانون اساسی جمهوری اسلامی: «بناها و اموال دولتی که از نفایس ملی باشد، قابل انتقال به غیر نیست مگر با تصویب مجلس شورای ملی، آنهم در صورتی که از نفایس منحصر به فرد نباشد» (صمدی، ۱۳۷۶، ۱۰). هرچند که این قانون می‌توانست مانعی در مسیر واگذاری بناهای تاریخی به بخش خصوصی باشد، اما در عمل کاربردی نداشت چراکه وظیفه تشخیص نفایس ملی به عهده صندوق احیا بود. به دیگر سخن، همان نهادی که وظیفه‌اش تسهیل شرایط واگذاری بناها به بخش خصوصی است متولی تعیین نفایس ملی هم هست. به همین دلیل است که می‌بینیم اگرچه کاخ گلستان - بزرگ‌ترین کاخ دوره قاجار - به عنوان میراث مشترک مردم جهان در فهرست یونسکو به ثبت رسیده است، اما عمارت مسعودیه به عنوان دومین کاخ بزرگ دوره قاجار جز نفایس ملی محسوب نشده و در سال ۱۳۸۹ به بخش خصوصی واگذار می‌شود. خانه عامری‌ها، به عنوان یکی از برجسته‌ترین نمونه‌های خانه‌های تاریخی در سال ۱۳۸۹ و کاروانسرای وکیل به عنوان یکی از بهترین نمونه‌های باقی‌مانده از کاروانسراهای تاریخی در سال ۱۳۹۶ به بخش خصوصی واگذار شدند.

اما کار به اینجا نیز ختم نمی‌شود، بسیاری از رویکردها و مطالبی که در سال‌های اخیر توسط متخصصین حوزه‌های میراث فرهنگی نوشته شده است، حکایت از هژمونی خصوصی‌سازی بر حوزه مدیریتی بناها و میراث فرهنگی دارد. به عنوان نمونه در یادداشتی تحت عنوان «رونق بخشی اقتصادی بناهای تاریخی: مطالعه چغازنبیل»، پیشنهاد واگذاری این مجموعه تاریخی نیز ارائه شده است. «زیگورات چغازنبیل پرستشگاهی است که ایلامی‌ها برای خدایان خود ساخته بودند؛ این بزرگ‌ترین اثر معماری به‌جامانده از تمدن عیلامی است که در حدود ۱۲۵۰ پیش از میلاد ساخته شده است. ... این بنا در سال ۱۹۷۹ از سوی یونسکو به عنوان اولین اثر تاریخی از ایران در فهرست آثار میراث جهانی ثبت گردیده است. ... بنابراین لازم است همزمان با فعالیت‌های مرمت و بازسازی، این منطقه گردشگری به مردم شناسانده شود که این امر نیز مستلزم تبلیغات متعدد و به تبع آن سرمایه‌گذاری‌های بیشتر است. لذا با توجه به اهمیت احیا و بهره‌برداری اقتصادی از این مکان تاریخی، استفاده از ظرفیت‌های بخش خصوصی امری لازم و ضروری به نظر می‌رسد» (مریدی، ۱۳۹۴، ۴۴). پرسش اینجاست که اگر بناهای تاریخی ذکر

شده که مهم‌ترین بناهای تاریخی کشور هستند و تقریباً در تمامی کتاب‌های تاریخ معماری به آن‌ها ارجاع داده می‌شود، جز آثار نفیس و منحصر به فرد محسوب نمی‌شوند، چه بناهایی این ویژگی را دارند؟

بند ب از ماده ۷ قانون تشکیلات صندوق احیا و بهره‌برداری از اماکن تاریخی و فرهنگی، عملاً این حوزه را با جریان‌های مالی و بانکی پیوند زد: «تصمیم‌گیری در مورد اخذ تسهیلات از بانک‌ها و مؤسسات اعتباری داخلی و خارجی با رعایت قوانین و مقررات مربوط» (همان). بدین ترتیب، رویکرد مالی-اقتصادی به راهبرد غالب مدیریتی این حوزه‌ها بدل شد. صورت‌گیری این رویکرد را می‌توان در تأسیس بانک‌های شهرداری‌ها [بانک شهر در سال ۱۳۸۸] و «بانک گردشگری» در سال ۱۳۸۹ یافت: «اگرچه فعالیت‌های تجاری بانک گردشگری شباهت بسیاری با فعالیت سایر بانک‌ها دارد، اما توجه ویژه این بانک به صنعت گردشگری کشور، فعالیت آن را متمایز می‌کند» (سایت بانک گردشگری، معرفی بانک گردشگری).

اکنون متولیان - تسهیل شرایط سرمایه‌گذاری بخش خصوصی

با تشکیل سازوکار صندوق احیا و فراهم آمدن زمینه حضور گسترده بخش خصوصی در بناهای تاریخی، به مرور سازمان از حوزه‌های تصدی و حفاظت بناهای تاریخی کناره رفت. با پاپس کشیدن از حوزه‌های حفاظتی و اجرایی، عملاً کارکرد این نهاد به تسهیل‌گری تغییر کرد. تشکیل معاونت «برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری» در سال ۱۳۸۵ در سازمان، گامی مهم در جهت بسترسازی برای گسترش حضور بخش خصوصی در حوزه میراث فرهنگی بود. هدف این معاونت در کتابچه راهنمای «معرفی ظرفیت‌ها و فرصت‌های سرمایه‌گذاری صنعت گردشگری ایران» این‌طور آمده است: «معاونت برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری سازمان نیز به عنوان یکی از معاونت‌های مهم این سازمان وظیفه بسترسازی به منظور ایجاد زیرساخت‌های گردشگری، جذب سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی و اعطای تسهیلات بانکی (ارزی و ریالی) تمهید حمایت‌های مورد نیاز توسعه این صنعت از جمله معافیت ۵۰ درصدی مالیاتی، کمک به ایجاد زیرساخت‌ها، اعطای یارانه سود و کارمزد تسهیلات، تخفیفات در عوارض صدور پروانه ساختمانی، تضمین سرمایه‌گذاری خارجی در چهارچوب قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاران خارجی، تعرفه‌های ترجیحی سوخت، تأمین زیرساخت‌های مورد نیاز، تجهیز منابع برای سرمایه‌گذاران (تسهیلات بانکی)، تأمین عرصه با قیمت‌های ترجیحی و تدوین

برنامه‌ها و طرح‌های توسعه زیرساخت‌های حوزه‌های مختلف گردشگری را بر عهده دارد» (معرفی ظرفیت‌ها و فرصت‌های سرمایه‌گذاری صنعت گردشگری ایران، ۶ و ۷). علاوه بر این برگزاری دو همایش بین‌المللی فرصت‌های سرمایه‌گذار گردشگری در سال‌های ۲۰۰۸ و ۲۰۱۲ میلادی از فعالیت‌های مهم دیگر این معاونت است. (همان) بر اساس اطلاعات مندرج در این کتابچه، تا سال ۱۳۹۵، ۱۱۶۸ منطقه نمونه گردشگری بر اساس مصوبات دولت به ثبت رسیده است. «مناطق نمونه گردشگری، مناطقی هستند در جوار و یا محدوده جاذبه‌های تاریخی، فرهنگی، مذهبی، طبیعی و همچنین مکان‌های دارای پتانسیل ایجاد تاسیسات گردشگری که به منظور ارائه خدمات به گردشگران توسط بخش غیردولتی بر اساس ماده ۸ قانون تشکیل سازمان میراث فرهنگی و گردشگری و آیین‌نامه‌های مربوطه تأسیس و اداره می‌شوند» (همان، ۱۹). بدین ترتیب، نه تنها بناهای تاریخی، بلکه حوزه‌های تاریخی، فرهنگی، مذهبی و طبیعی تبدیل به «جاذبه» شده‌اند تا بخش خصوصی داخلی و خارجی را برای سرمایه‌گذاری جذب کنند.

به دلایل گوناگون، واگذاری بناهای تاریخی تا دولت یازدهم به کندی پیش می‌رفت، به گفته محمدرضا پوینده مدیرعامل صندوق احیا: «از سال ۸۵ تا ۹۲ تنها ۱۰ بنای تاریخی به بخش خصوصی واگذار شده بود که با تسریع آن در طول فعالیت دولت یازدهم ۷۰ بنای تاریخی نیز واگذار شد» (پوینده، ۱۳۹۵). همچنین به گفته وی، «در چشم‌انداز سال ۱۴۰۴ قرار است سالانه به‌طور متوسط ۱۰۰ تا ۱۱۰ بنا واگذار شود که با این حساب تا آن سال، در مجموع ۱۰۸۴ بنا واگذار شده و به بهره‌برداری خواهد رسید» (پوینده، ۱۳۹۵). قطعاً گسترش سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در این حوزه باید با تسهیل موانع نظارتی و سخت‌گیری‌ها همراه باشد. یکی از وظایف صندوق احیا در این جهت، تعیین کاربری برای بناهای تاریخی است، که با تعیین بیش از ۱۰۰ نوع کاربری، مانعی در این زمینه وجود ندارد. «برای احیاء و مرمت بناهای تاریخی ایران که دارای مجوز واگذاری هستند، بیش از ۱۰۰ نوع کاربری متناسب با شأن بنا و حداقل مداخله، تعریف شده است که در کنار سایر شرایط واگذاری در قالب بسته‌های سرمایه‌گذاری در اختیار علاقه‌مندان قرار می‌گیرند» (پوینده، ۱۳۹۵).

«ما هیچ بنایی نداشتیم که واگذار شود و شاهد سوددهی اقتصادی آن بعد از مدت کوتاهی نبوده باشیم» (پوینده، ۱۳۹۵). علاوه بر این، طبق قانون «تاسیسات ایرانگردی و جهانگردی

سالانه از پرداخت ۵۰ درصد مالیات متعلقه معاف هستند» (معرفی ظرفیت‌ها و فرصت‌های سرمایه‌گذاری صنعت گردشگری ایران، ۴). اما به نظر می‌رسد برای گسترش هرچه بیشتر سرمایه‌گذاری بخش خصوصی لازم است تا سودآوری این حوزه بیش از پیش تقویت و شرایط سرمایه‌گذاری تسهیل شود. در این جهت پوینده، مدیرعامل صندوق احیا ابراز امیدواری کرده است: «در صورت مهیا شدن شرایط بناهای تاریخی می‌توانند از ۵ تا ۱۳ سال به صورت صددرصد دارای معافیت مالیاتی باشند» (پوینده، ۱۳۹۵).

اکنون بازدیدکنندگان – «بقا و رقبا هویت و شخصیت فرهنگی» کدام بخش از جامعه؟

در اساسنامه سازمان میراث فرهنگی هدف حفاظت از بناها و آثار تاریخی و فرهنگی چنین بیان شده است: «عبرت از حرکت فرهنگی انسان و بقا و رقبا هویت و شخصیت فرهنگی جامعه». اما در شرایط امروز، آیا حرکت به سمت چنین هدفی، امکان‌پذیر است؟ رهاشدن پهنه‌های قدیمی و رشد نامتوازن شهر سبب شد که پهنه‌های قدیمی شهرها به مسکن اقشار کم‌درآمد و حتی در بعضی مناطق –مانند محله عودلاجان تهران– به محلی برای اسکان غیررسمی رانده‌شدگان و گروه‌های حاشیه‌ای تبدیل شود. افت قیمت زمین و مسکن این محلات در کنار دارا بودن بافت تاریخی ارزشمند، فرصت مناسبی را برای سرمایه‌گذاران مهیا کرده است. اما نوسازی بافت‌های قدیمی، در غالب توسعه صنعت گردشگری، با برون‌رانی بسیاری از ساکنان فعلی این بافت‌ها همراه است. آن‌هایی که از پهنه‌های قدیمی شهرها نیز رانده می‌شوند، معمولاً نه توان سرمایه‌گذاری در صنعت گردشگری را دارند و نه توان خرید کالاهای ارائه شده در این بازار را؛ با ورود صنعت گردشگری به پهنه‌های قدیمی آنها ناچاراً به آلودگی‌سازی و اسکان غیررسمی در حاشیه شهرها روی می‌آورند.

در حالی که در سال ۱۳۹۶ حداقل دستمزد یک کارگر در ماه معادل ۹۳۰ هزار تومان در نظر گرفته شده است، اقامت در خانه‌های عامری‌های کاشان شبی تا ۷۵۰ هزار تومان و اتاق‌های هتل لاله در شهر یزد تا ۵۳۰ هزار تومان هزینه دارد (وبسایت هتل یاز). جالب این‌جا است که هر چه بنای تاریخی شناخته شده‌تر و با اهمیت‌تر باشد به عنوان کالایی لوکس‌تر و گران‌قیمت‌تر به مشتریان خود عرضه می‌شود. در این شرایط، این کالا هر چه گران‌قیمت‌تر و ارزشمندتر، از

دسترس اکثریت جامعه دورتر. در چنین فرآیندی به مرور بخش زیادی از جامعه‌ای که قرار بود -طبق اساس نامه سازمان میراث- «حرکت فرهنگی انسان» را درک کرده و در ریشه‌های فرهنگی و هویتی خود غور و تفکر کنند، عملاً از حضور در این بناها نیز محروم شده‌اند. بدین ترتیب، بخشی از فضاها تاریخی از بستر تاریخی-اجتماعی خود جدا شده و به عنوان کالایی لوکس برای تلذذ اقشار دیگر جامعه و گردشگران خارجی عرضه می‌شوند.

همواره چنین گفته‌اند که ما مردمان «مهمان‌نوازی» هستیم، این مطلب در اغلب تبلیغات و سخنرانی‌هایی که با هدف جذب گردشگران انجام می‌شود، بیان شده است؛ اما نئولیبرالیسم در این زمینه نیز به ما آموخته است. برای مشتریان خوبی که به بناهای تاریخی -که امروزه دیگر به هیئات هتل‌ها، چایخانه‌ها، کافه‌ها و رستوران‌ها تغییر شکل داده‌اند- مراجعه می‌کنند، خدمات خوبی ارائه می‌شود. آن‌هایی که توان خرید کالاها و خدمات فرهنگی را دارند به عنوان گردشگران خارجی و داخلی به این بناها می‌آیند، از مهمان‌نوازی ما برخوردار می‌شوند و البته سود اقتصادی را برای سرمایه‌گذاران بخش خصوصی به ارمغان می‌آورند.

«سلیقه فرهنگی و علاقه گردشگران داخلی و خارجی اقامت و پذیرایی شدن در بناهای تاریخی است و این عامل در کنار عوامل دیگر نظیر متناسب بودن مبالغ مرمت و مشوق‌های سرمایه‌گذاری، به عاملی برای معرفی سرمایه‌گذاری در بناهای تاریخی به عنوان یک سرمایه‌گذاری پربازده و دارای توجیه اقتصادی تبدیل شده است» (پوینده، ۱۳۹۵). از آنجایی که مواجهه با اقشار فرودست، رانده‌شدگان جامعه و مهاجرین جزئی از سلايق و علايق گردشگران نیست، مهاجرینی که در پهنه‌های قدیمی شهرها ساکن هستند، یا تا کنون این بافت‌ها ترک کرده و به نقاط حاشیه‌ای شهر کوچانده شده‌اند و یا به زودی باید این محله‌ها را ترک کنند. کالاهای صنعت گردشگری برای آنان ارائه نمی‌شود؛ حتی «مهمان‌نوازی»، اگر توان خریدش را نداشته باشند.

از سوی دیگر، اکنون بازدیدکنندگان بناهای تاریخی، در پی خرید کالایی از بازار گردشگری یا صنعت فراغت، به بناهای تاریخی رجوع می‌کنند. در این فرایند، کاربری‌های اعطا شده به بناهای تاریخی نیز، بیش از پیش جنبه اقتصادی دارند: چایخانه، کافی‌شاپ، هتل، رستوران، بازارچه‌های گوناگون و ... لذا بعید به نظر می‌رسد بناهای تاریخی بسیاری که به رستوران و هتل و چایخانه تبدیل شده‌اند -که البته دیگر غالباً در دسترس عموم مردم نیز قرار ندارند- حتی برای بازدیدکنندگان و مشتریان خود بتوانند باری فرهنگی داشته باشند. هرچند که تفکر و تعمق

در باب موضوعات فرهنگی، تاریخی و اجتماعی مساله‌ای کاملاً کیفی است، اما در منطق بازار، بازدیدکنندگان و گردشگران به شکل نمودار و آمار و ارقامی عددی و کمی تغییر شکل می‌دهند، از این طریق سیاست‌گذاران و سرمایه‌گذاران می‌توانند میزان سود و بهره مالی را محاسبه کنند و موفقیت یا عدم موفقیت طرح‌های خود را بسنجند. و اگر جایی سود بیشتری سراغ گرفتند عطای میراث فرهنگی را به لقایش ببخشند یا برای سوددهی بیشتر چنان در آن دست برند که دیگر چیزی از «میراث» باقی نماند.

اکنون بناهای تاریخی - مرمت برای انطباق با مُد روز

حال که انگیزش اصلی برای حفاظت از میراث فرهنگی، جذب گردشگر و درآمدزایی است، سرنوشت بناهای تاریخی چه خواهد بود؟ پوینده، در گفت‌وگو با خبرنگار خبرگزاری مهر به این پرسش پاسخ داده است: «ما ۱۰۰ موضوع مختلف را برای تغییر کاربری بناهای تاریخی مشخص کرده‌ایم اما بیشتر سرمایه‌گذاران به برگشت سرمایه فکر می‌کنند و مایل هستند تا یک بنای تاریخی را به رستوران و سفره‌خانه سنتی تبدیل کنند تا نگران سرمایه خود نباشند» (پوینده، ۱۳۹۵). ناگفته پیداست که تغییر کاربری اماکن تاریخی کسب و کار پرسودی برای بخش خصوصی است که فضای شهری-معماری خاص خود را می‌طلبد. چه بسیار بناهای تاریخی که در یک دهه گذشته به یمن سرمایه خصوصی بدل به هتل، رستوران، چایخانه و غیره شده‌اند. اما امروزه این رویکرد حفاظتی-مرمتی چنان فراگیر شده که به مرور رویکرد حفاظتی خود سازمان را نیز تغییر داده است. امروزه بسیاری از بناهای تاریخی که در اختیار سازمان میراث فرهنگی و یا سایر ارگان‌های دولتی هستند نیز، شرایط مشابهی دارند: از باغ نگارستان دانشگاه تهران، تا تخت جمشید، همگی پذیرای فضای کافی شاپ در عرصه تاریخی خود شده‌اند.

برای تبدیل یک اثر تاریخی به یک فضای تجاری سودآور به ناگزیر بنای تاریخی ضمن مرمت باید دچار دگرگونی‌های فراوان شوند، گاه این تغییر و دگرگونی در بناهای تاریخی آنقدر زیاد است که دیگر اثری از قدمت و تاریخ بنا بر جا نمی‌ماند. در نظر داشتن سلاطین گردشگران در چگونگی انجام این مرمت‌ها، اهمیت فراوانی در تضمین بازگشت سود سرمایه‌گذار دارد. خانه‌های عامری‌ها کاشان که یکی از نمونه‌های موفق واگذاری به بخش خصوصی می‌باشد، وجود کاربری‌های متنوع و البته مرمت‌های متنوع این خانه تمامی سلاطین روز را مدنظر داشته است؛ بخشی از بنا به گالری‌ای کاملاً مدرن تبدیل شده، بخش دیگر سالن کنفرانس،

اتاق‌های هتل، سوئیت‌ها، کافی‌شاپ، رستوران، سالن گفت‌وگو، سالن پذیرش و ... همگی بخش‌های تغییر کاربری داده شده این خانه تاریخی هستند. در عصر تنوع کالاهای فرهنگی، بنای تاریخی برای پاسخگویی به تمامی سلیق، آنقدر تکه تکه و دگرگون شده است که نه تنها اصالت و یکپارچگی بنا به کلی از میان رفته، بلکه دیگر اثری از یک خانه تاریخی، به عنوان یک کلیت قابل درک نیز یافت نمی‌شود.

آیا میراث فرهنگی و تاریخی می‌توانند دچار هر دگرگونی‌ای بشود؟ آیا تمامی آثار تاریخی به جا مانده در کشور قابلیت تبدیل شدن به کافی‌شاپ، چاپخانه و رستوران را دارند؟ بافت تاریخی اطراف حرم امام رضا در مشهد، هرچند که قابلیت بهره‌وری اقتصادی و مالی را داشت، اما آن‌قدرها نبود که بتواند با ساخت هتل‌ها، فضاهای تجاری و پاساژها در هیئت برج‌ها رقابت کند؛ شهر مشهد به واسطه گردشگری مذهبی مورد توجه است، نه گردشگری تاریخی-فرهنگی. به بیان دیگر، بافت تاریخی مانعی بر سر راه حداکثر بهره‌برداری اقتصادی از فضای شهری بود. بنابراین بافت تاریخی مشهد به کلی ویران می‌شود و جای خود را به فضاهای تجاری می‌دهد. اما بر خلاف مشهد، اصفهان شهری است که به واسطه گردشگری تاریخی مورد توجه قرار گرفته است. میدان کهنه اصفهان (یا همان میدان امام علی (ع) کنونی) بدون اتکا به سند موثق تاریخی دوباره‌سازی می‌شود تا نمونه‌ای -هرچند تقلبی- از میدانی تاریخی باشد و تماماً به فضای تجاری، مطابق با سلیقه گردشگران اختصاص یابد. انجام این پروژه به معنای تخریب بقایای بناهای تاریخی این میدان بود. لایه‌های باستانی و بقایای باستان‌شناسی متعلق به اوایل دوره اسلامی (با قدمتی بیش از ۱۰۰۰ سال) از بین رفت تا قربانی دیگری برای سلطه نگاه اقتصادی بر فضاهای شهری باشد. در واقع پروژه میدان کهنه شهر اصفهان تلاشی برای ایجاد یک فضای لوکس تجاری با روکشی شبه تاریخی بود. در این فرایند بناهای تاریخی مناطق دورافتاده کشور نیز در غفلت متولیان، به حال خود رها شده‌اند، چراکه توانایی جذب گردشگر و ایجاد اقتصاد گردشگری را ندارند.

می‌توان نتیجه گرفت که بهره‌وری اقتصاد صرفاً عاملی در میان دیگر عامل‌ها برای تصمیم‌گیری نیست، بلکه سود اقتصادی یگانه محرکی است که کنترل و هدایت فرهنگ را در دست دارد. به واقع امروز میراث فرهنگی نه امری به ذات حائز اهمیت بلکه تابعی از منطق صنعت گردشگری است. سودآوری اقتصادی به مرور جای هر هدف دیگر فرهنگی-اجتماعی را

در عرصه حفاظت از بنای تاریخی گرفته است. پهنه‌های تاریخی اگر بقاء خود را در تجاری شدن و هماهنگی با سلاطین هر لحظه در حال تغییر دنیای مد و بوتیک‌ها نیابند، ناگزیر یا باید تن به مرگ تدریجی دهند و یا تخریب یکباره؛ یا جای خود را به فضایی تجاری بدهند و یا خود به فضای کسب و کار بدل شوند.

نتیجه‌گیری - نگاهی مجدد

در این نوشتار تلاش شده است تا در ابتدا شمایی کلی از زمینه‌ها و پیشینه تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری، پیش از تشکیل سازمان میراث فرهنگی ترسیم شود. سیاست‌گذاری در عرصه میراث فرهنگی در دهه‌های گذشته وجوه مختلفی را تجربه کرده است: پس از رویکردی انقلابی در سال‌های نخست انقلاب اسلامی، با تشکیل سازمان میراث فرهنگی، ساختار مدیریتی سازمان منسجم می‌شود و رویکردهای تخصصی و حفاظتی غالب می‌شوند. اما هدف اصلی این مقاله بررسی چگونگی تسلط سیاست‌ها و نگرش‌های «بازار آزاد» بر تغییرات نهادی سازمان میراث فرهنگی است که زمینه‌های آن از اواسط دهه ۱۳۷۰ فراهم می‌شود. از آن زمان تا امروز تسلط این نگرش بر رویکرد سازمان هر روز گسترده شده و دگرگونی‌های نهادی را در پی داشته است. بررسی چگونگی سازوکارهای ایجاد شده از این زمان و تغییرات نهادی سازمان میراث فرهنگی پس از چرخش به سوی نئولیبرالیسم می‌تواند در ترسیم وضعیت کنونی میراث فرهنگی کشور نقش چشمگیری ایفا کند و در حل معضلات و چالش‌های این حوزه تأثیرگذار باشد. بی‌شک این نوشتار تنها می‌تواند آغازی برای پژوهش در این زمینه باشد.

سازمان میراث فرهنگی، به مرور با ایجاد سازوکارهای گوناگون و تغییرات نهادی که در آن اتفاق افتاد، مسیر تازه‌ای را در پیش گرفت: توسعه صنعت گردشگری و واگذاری امور به بخش خصوصی. تسلط همه جانبه این رویکرد با ادغام سازمان میراث فرهنگی و سازمان ایرانگردی و جهانگردی و با تأسیس صندوق احیا و بهره‌برداری از اماکن تاریخی آغاز می‌شود و با واگذاری بسیاری از بناهای تاریخی به بخش خصوصی ادامه می‌یابد.

اما واگذاری آثار فرهنگی و تاریخی به بخش خصوصی رابطه بنای تاریخی، متولی اثر و بازدیدکننده آن را نیز دگرگون می‌کند. در رابطه جدید، بنای تاریخی نه به عنوان موجودیتی ارزشمند از لحاظ فرهنگی و تاریخی بلکه به عنوان فرصت‌های سرمایه‌گذاری مطرح و شناخته می‌شوند. بازدیدکننده بنای تاریخی نیز دیگر، نه به عنوان فردی در تلاش برای درک حرکت

فرهنگی انسان، بلکه به عنوان مشتری و خریدار، به عنوان مصرف‌کننده به سوی بنای تاریخی می‌رود. سرمایه‌گذار خصوصی نیز ناگزیر با خواست سودآوری مالی از بناهای تاریخی به این حوزه ورود می‌کند. این خود بر چگونگی امر حفاظت از بنای تاریخی و ذهنیت مالک و متولی اثر تاریخی نیز اثر می‌گذارد. در این میان رسالت سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری نیز دگرگون شده است و به تدریج کارکرد این نهاد از حوزه حفاظت به تسهیل‌گیری تغییر کرده است. در شرایط امروز، افزایش بهره‌وری اقتصادی در غالب توسعه صنعت گردشگری به عنوان راه‌حل حوزه میراث فرهنگی تثبیت شده است. در شرایط کنونی به نظر می‌رسد تنها راه برون‌رفت از این وضعیت، بازگشت به پرسش‌های بنیادین باشد؛ بناهای تاریخی به چه سبب اهمیت دارند؟ و چرا باید از بناهای تاریخی، میراث فرهنگی و پهنه‌های طبیعی را حفاظت کرد؟

منابع و مأخذ

- اباذری، یوسفعلی و پرنیان، حمیدرضا. (۱۳۹۴). استقرار آموزشی مکتب نیاوران، تاریخچه ایجاد نهادهای دولتی آموزش مدیریت و اقتصاد بازار آزاد. نشریه مطالعات جامعه‌شناختی. دوره ۲۲. شماره ۲. پاییز و زمستان ۱۳۹۴.
- برنامه پنج ساله چهارم توسعه. وبسایت مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. <http://rc.majlis.ir>
- پوینده، محمدرضا. (۱۳۹۵). واگذاری بناهای تاریخی به بخش خصوصی تسریع یافته است، مصاحبه با محمدرضا پوینده در وبسایت خبرگزاری صندوق احیا (صابتا). <http://saabta.ir/DetailsNews.asp?idn=1849>. ۴ اسفند ۱۳۹۵.
- پوینده، محمدرضا. (۱۳۹۵). سلیقه فرهنگی گردشگران، سرمایه‌گذاری در بناهای تاریخی را دارای توجیه اقتصادی بالا کرده است، وبسایت خبرگزاری صندوق احیا (صابتا). <http://saabta.ir/DetailsNews.asp?idn=1875>. ۱۶ اسفند ۱۳۹۵.
- پوینده، محمدرضا. (۱۳۹۵). واگذاری ۵ بنای تاریخی به بخش خصوصی / کسی به فکر کاربری فرهنگی نیست، وبسایت خبرگزاری صندوق احیا (صابتا). <http://saabta.ir/DetailsNews.asp?idn=1617>. ۱۶ اسفند ۱۳۹۵.

- پوینده، محمدرضا. (۱۳۹۵). احیای ۱۰۸۴ بنای تاریخی تا ۱۴۰۴، محمدرضا پوینده نقل شده در وبسایت خبرگزاری روزنامه دنیای اقتصاد. <http://donya-e-egtesad.com/news/1045223>. ۳۱ فروردین ۱۳۹۵.
- صمدی، یونس. (۱۳۸۲). میراث فرهنگی در حقوق داخلی و بین‌المللی. انتشارات اداره کل آموزش انتشارات و تولیدات میراث فرهنگی کشور. بهار ۱۳۸۲.
- صمدی، یونس. (۱۳۸۲). مجموعه قوانین، مقررات آیین‌نامه‌ها، بخشنامه‌ها و معاهدات میراث فرهنگی کشور. انتشارات اداره کل آموزش انتشارات و تولیدات میراث فرهنگی کشور. ۱۳۷۶.
- طلوع آشتیانی، شاهین. (۱۳۸۲). پردیسان ایران، پیوند گذشته با امروز. نشریه هفت شهر، فصلنامه عمران و بهسازی شهری. سال چهارم. شماره ۱۲ و ۱۳. تابستان و پاییز ۱۳۸۲.
- فلامکی، محمدمنصور. (۱۳۸۷). نظریه‌ای بر منشور مرمت شهری. انتشارات مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری. ۱۳۸۷.
- کتابچه معرفی ظرفیت‌ها و فرصت‌های سرمایه‌گذاری صنعت گردشگری ایران. قابل مشاهده در وبسایت سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری. بخش انتشارات مرکز. <http://www.ichto.ir>
- مختاریان، حسین (۱۳۸۶). فرهنگی: با بررسی برنامه‌های اول تا چهارم توسعه مورد تاکید قرار گرفت: ضرورت افزایش سرمایه‌گذاری در بخش فرهنگ. هفته‌نامه برنامه. شماره ۲۳۱. ۱۷ شهریور ۱۳۸۶.
- مرادی، اصغر محمد. (۱۳۸۲). روند حفاظت در ایران از تأسیس اداره عتیقات تا قبل از انقلاب اسلامی. نشریه هفت شهر، فصلنامه عمران و بهسازی شهری. سال چهارم. شماره یازدهم. بهار ۱۳۸۲.
- مریدی، محمدرضا. حاطمی کاهکش، منا. (۱۳۹۴). رونق‌بخشی اقتصادی بناهای تاریخی: مطالعه چغازنبیل. نشریه پژوهش هنر. شماره ۹. بهار ۱۳۹۴.
- مستوفی، نصرالله و آرامش، محمدجواد. (۱۳۸۱). بررسی ادغام سازمان میراث فرهنگی و سازمان ایرانگردی و جهانگردی، گفت‌وگو با نصرالله مستوفی. هفته‌نامه برنامه. شماره ۷. ۲ آذر ۱۳۸۱.
- نشریه اثر. (۱۳۵۹). سرمقاله: سیاست شهرسازی و موجودیت شهرهای ما. شماره ۲ و ۳ و ۴. تابستان، پاییز و زمستان ۱۳۵۹.
- نشریه اثر. (۱۳۵۹). سمینار باستان‌شناسی در راستای انقلاب. شماره ۲ و ۳ و ۴. تابستان، پاییز و زمستان ۱۳۵۹.
- نشریه اثر. (۱۳۸۳). سرمقاله: نگاهی به چند رویداد. شماره ۳۶ و ۳۷. تابستان ۱۳۸۳.

- وبسایت بانک گردشگری. بخش معرفی بانک. <http://www.tourismbank.ir>
- وبسایت سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری. بخش پیشینه سازمان. <http://www.ichto.ir>
- وبسایت هتل یار. بخش قیمت هتل ها. <http://www.hotelyar.com>
- هفته نامه برنامه. (۱۳۸۲). با ادغام دو سازمان (ایرانگردی و جهانگردی) و (میراث فرهنگی) سازمان میراث فرهنگی و گردشگری تشکیل می شود. هفته نامه برنامه. شماره ۳۷. ۱۹ مهر ۱۳۸۲.
- هفته نامه برنامه. (۱۳۸۲). قانون تشکیل سازمان میراث فرهنگی ابلاغ شد. هفته نامه برنامه. شماره ۵۷. ۹ اسفند ۱۳۸۲.
- هفته نامه برنامه. (۱۳۸۴). اساسنامه صندوق احیا و بهره برداری از بناها و اماکن تاریخی-فرهنگی تصویب شد. هفته نامه برنامه. شماره ۱۴۶. ۲۶ آذر ۱۳۸۴.